



دوست بسیار عزیزم سلام

متن گفتگوی چند روز پیشمان را که چاپ کرده بودید، خواندم. درباره آنها ذکر چند نکته را لازم می دانم:

می دانید که حالا دیگر من هر چه بخواهم حواسم را جمع کنم و مواظب باشم که چه بگویم و چه بکنم از عهده بر نمی آیم. هوش و حواسم که در جوانی هم چندان تحفه نبوده، اکنون وضع بدی دارد. من نشسته بودم و با دوست عزیزم خودمانی حرف می زدیم و یادم نبود که با سر دبیر یک مجله حرف می زنم. اگر متوجه و متذکر بودم که گفته های من چاپ می شود (و شما می دانید که این به اصطلاح رسانه با فکر و روح آدمیان چه ها که نمی کند) با احتیاط حرف می زدم و بعضی مطالب را نمی گفتم. بعضی دیگر مثل کودتای 28 مرداد و شعر و شاعری را تفصیل می دادم. می دانید که در سی سال اخیر من با هیچکس جز با شما مصاحبه ای نکرده ام که آن را نبینم و چاپ کنند.

همه آنچه به نام مصاحبه از من چاپ شده است پاسخ کتبی به پرسش هاست. البته نوشتن دشوارتر از گفتن است. بخصوص که من یک جمله را ده بار می نویسم و شاید بالاخره آن را خط بزنم. بعضی دوستانم که این مصاحبه را خوانده بودند گفتند با آقای سیدعبدالجواد موسوی چه همدلی و همزیانی داری که آزاد و بی خیال حرف هایت را می زنی و ایشان آن را چاپ می کنند. چگونه است که ما اگر بخواهیم مصاحبه کنیم باید پرسش-هایمان را بنویسیم و شما با وسواس آن را جواب بدهید (و البته نگفتند که شاید بالاخره پاسخی هم ندهید). آنها پرسیدند که چرا وقتی با ما صحبت می کنی نام اشخاص را با احترام و تعارف و ذکر المقاب و عناوین می آوری؟ اما اینجا خودمانی حرف زده ای؟ راست می گویند من با دوستم درد دل می کردم و گرنه در مورد اشخاص و کارهایشان با ادب بیشتر حرف می زدم و اگر از مقاله ای یادی کردم و آن را خوب می دانستم خوبیش را می گفتم. البته بعضی مطالب خصوصی را هم

نمی گفتم. بعضی سهوهای تایپی و الفاظ و عبارات مبهم هم هست که شاید خواننده درست مقصود گوینده را ملتفت نشود یا آن را طور دیگر بفهمد. مثلاً من گفته ام بهترین راه برای جلوگیری از فرار مغزها اهتمام در کار توسعه است که مطلب معکوس شده است یا گفته ام در سمیناری که به نام اخلاق برگزار می شود چرا به جز حجاب به مسائل دیگر نپردازند؟ من نگفته ام و نمی گویم که در سمینار اخلاق درباره حجاب حرف نزنند. به تفصیل بحث کنند، اما اخلاق به حجاب محدود نمی شود و اگر می شد زمان مظفرالدین شاه و همه زمان های پیش از آن، زمان اخلاق بود. قصد من این بود که اگر می خواهید صرفاً در اهمیت و لزوم و خوبی حجاب بگویند یا نام سمینار را حجاب بگذارند و اگر نام اخلاق را برمی گزینند از مباحث دیگر اخلاق هم چیزی بگویند تا نام با مسما باشد بعضی الفاظ را هم ظاهراً درست ادا نکرده ام و شنیده نشده است گاهی بعضی سالبه ها موجهه و بعضی موجهه ها سالبه شده است که خطرناک است. بعد از این وقتی با هم می نشینیم و صحبت می کنیم که امیدوارم باز هم اتفاق بیفتد، خواهش می کنم متن را بدهید بخوانم و اندک تصرفی در آن بکنم. قول می دهم بیش از نصف آن را حذف نکنم و اگر حذف کردم به همان اندازه و حتی دو برابر مطلب به آن بیفزایم.